

## از نهضت میرزا تا شورش شیخ خزعل

۱۸ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۵۹

پروژه سرکوب نهضت اسلامی میرزا کوچک خان جنگلی، محصول اراده مشترک شوروی، کمونیست‌های داخلی، دولت انگلستان و استبداد رضاخانی بود. در چنین شرایطی، سران نهضت جنگل چند راه بیشتر نداشتند یا باید تسلیم می‌شدند و اسلحه را زمین می‌گذاشتند...

۱۶ خرداد ۱۳۹۹ ش/۱۹۲۱م

## نهضت میرزا کوچک خان جنگلی

روز ۱۶ خرداد ۱۳۹۹ میرزا کوچک خان جنگلی در ادامه مبارزات خود در راه اعاده استقلال و حاکمیت ملی ایران، در شهر رشت حکومت جمهوری اعلام کرد. این اعلام در پی یک رشته تماسها و گفتگوها با مقامات روسیه و کسب اطمینان از این که نیروهای مداخله‌گر آنان در شمال ایران در کار حکومت انقلابی میرزا، کارشکنی نخواهند کرد، صورت گرفت. جنگلی‌ها که مبارزات مسلحانه با رژیم استبدادی و سرسپرده قاجار را آغاز کرده و جنگل‌های شمال را مقرر خود قرار داده بودند، در آغاز پیروزی انقلاب روسیه روابط حسنه‌ای با بلشویکها برقرار کرده بودند. نهضت جنگل انقلاب روسیه را تأیید می‌کرد و رهبران جدید روسیه نیز میرزا را به عنوان یک انقلابی ضداستعمار می‌دانستند و او راستایش می‌کردند. اما چندی نگذشت که روس‌ها سیاست دوستانه خود را تغییر دادند و قدم به قدم به خاطر حفظ منافع خود در ایران از حمایت نهضت جنگل دست کشیدند و سرانجام به آن خیانت کردند. سران نهضت جنگل پس از اعلام حکومت، ضمن انتشار اعلامیه‌ای با عنوان «فریاد ملت مظلوم ایران از حلقوم فدائیان جنگل»، به مفساد دستگاه حاکمه ایران و جنایات انگلیسی‌ها اشاره کردند. پروژه سرکوب نهضت اسلامی میرزا کوچک خان جنگلی، محصول اراده مشترک شوروی، کمونیست‌های داخلی، دولت انگلستان و استبداد رضاخانی بود. در چنین شرایطی، سران نهضت جنگل چند راه بیشتر نداشتند یا باید تسلیم می‌شدند و اسلحه را زمین می‌گذاشتند، یا به روسیه پناه می‌بردند و یا این که ننگ تسلیم و پناه بردن به بیگانه و اجنبی را نمی‌پذیرفتند و تا آخرین قطره خون به مبارزه ادامه می‌دادند. احسان الله خان ترجیح داد تا به اربابان خود که به او خیانت نیز کرده بودند، بپیوندند. خالوقربان نیز با قید تضمین از طرف سردار سپه، با همه افراد خود تسلیم قوای دولتی شد و جان خود را نجات داد. در این میان فقط میرزا کوچک خان بود که نه حاضر به ترک ایران شد و نه ننگ تسلیم به قوای دولتی را پذیرفت و سرانجام نیز به مبارزه ادامه داد تا در ۱۱ آذر ۱۳۰۰ به شهادت رسید.

## شورش دوست محمدخان بارانزهی علیه دولت مرکزی در بلوچستان

پس از بهرام خان، امیر دوست محمد خان که برادرزاده بهرام خان و فرزند ارشد علی محمد خان بارانزهی بود، جانشین بهرام خان گردید. این جنبش جدایی طلب و خودمختار، که درست مقارن انقلاب مشروطه و تحولات ناشی از جنگ جهانی اول پای گرفت، برای مدتی، در سایه حمایت بریتانیا، دولت محلی مستقل تشکیل داد. بزرگترین مخالف رضا خان در بلوچستان دوست محمد خان بزرگ طایفه بارانزهی بود که بخش هایی مهم از بلوچستان جنوبی (مکران) را تحت کنترل داشت و طوایف قدرتمند دیگر یار احمد زهی، گمشادزهی، و اسماعیل زهی، منطقه سرحد در شمال بلوچستان را در اختیار داشتند. رضا خان در راستای اهداف خود که یکی از آنها برقراری نظم در کشور و ایجاد یکپارچگی ملی بود سیاست تمرکزگرایی و برخورد با نیروهای شورشی که به ویژه در نقاط مرزری کشور طغیان کرده بودند را در پیش گرفت. نیروی مهاجم رضاشاه با ساز و برگ نظامی ای که در اختیارشان بود، بسوی بلوچستان سرازیر گشتند و تدارک جنگی عظیم را علیه شورشیان بلوچ دیدند. افراد طایفه اسماعیل زهی تحت رهبری سردار جمعه خان، خود را برای مقابله با آنان آماده ساختند. در حوالی زاهدان و نصرت آباد جنگ سختی بین آنها در گرفت. جمعه خان پس از مدتی مقاومت به بلوچستان شرقی فرار کرد که در نتیجه دستگیر و به تهران اعزام گشت.

۱۳۰۳ش/۱۹۲۵ م

## شورش شیخ خزعل

به سبب وجود ذخایر عظیم نفتی در استان خوزستان قدرتهای بزرگ از دیرباز توجه خاصی به این قسمت از سرزمین ما داشته اند و در اواخر حکومت قاجار در صدد جدا کردن این قسمت از خاک ایران بوده اند. از جمله اقداماتی که بنا به اکثر روایات در راستای هدف تجزیه طلبی ایران در دوران معاصر صورت پذیرفت می توان به شورش شیخ خزعل در نواحی جنوبی کشور اشاره کرد. بعد از جنبش مشروطیت - دولت مرکزی ایران روز به روز ضعیفتر شد - نابسامانیهایی در جنوب ایران پیش آمد و دولت انگلیس به تدریج سران عشایر جنوب را تحت نفوذ و اختیار خود درآورد تا بتواند به وسیله آنها امنیت منطقه را از نظر استخراج و صدور نفت تامین کند. یکی از این سران عشایر شیخ خزعل بود که در ناحیه جنوب خوزستان زمینه های زیادی داشت شیخ خزعل ملقب به «معزالسلطنه» و «سردار اقدس»، سالها فرمانروای خوزستان بود. شرکت نفت ایران و انگلیس یک سری قراردادها با سران بختیاری و شیخ خزعل منعقد نمود. حقیقت امر این بود که شرکت نفت انگلیسی یعنی عامل سیاست امپریالیزم بریتانیابه جای آن که در تقویت دولت مرکزی بکوشد و از دولت ایران ایجاد امنیت را در منطقه نفت خیز بخواهد، صلاح خود را در این دیده بود که با دادن رشوه دل خوانین بختیاری و سران متنفذ خوزستان مانند شیخ خزعل را به دست آورد، تا هم از تجاوز احتمالی آنان به منطقه در امان بماند و هم دولت مرکزی ایران را ضعیف وانمود کند. درنهایت شورش شیخ خزعل توسط قوای مرکزی سرکوب شد.

ادامه دارد....

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/19268/بخزعل-شپخ-شورش-مپرزنا-نهضة>